

مقایسه بهره هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی کودکان فوتبالیست با و بدون تجربه مهد کودک

شهرام نظرپوری^۱، امید محمدیان^۲

۱. دانشجوی دکتری رفتار حرکتی دانشگاه خوارزمی

۲. هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۵

چکیده

هدف تحقیق: هدف پژوهش حاضر مقایسه بهره هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی در کودکان فوتبالیست دارا و بدون تجربه مهد کودک بود. **روش تحقیق:** جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه کودکان فوتبالیست پسر ۷ الی ۹ ساله عضو مدارس فوتبال شهرستان الشتر بود که، به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای تعداد ۱۰۰ نفر، ۵۰ نفر دارای تجربه مهد کودک و ۵۰ نفر بدون تجربه مهد کودک، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل، پرسشنامه بهره هوشی ریون، آزمون رشد حرکتی درشت اولریخ ۲ و آزمون های مهارتی فوتبال مورکریستین بود. تجزیه و تحلیل آماری داده ها با استفاده از آزمون تی مستقل در سطح معنی داری ۰/۰۵ P انجام شد. **یافته ها:** یافته های پژوهش نشان داد که، بین کودکان فوتبالیست دارا تجربه مهد کودک و بدون تجربه مهد کودک، تفاوت معناداری در میزان بهره هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی وجود ندارد. **نتیجه گیری:** به نظر می رسد، داشتن یا نداشتن تجربه مهد کودک تأثیری بر میزان بهره هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی کودکان ندارد، که دلیل این امر می تواند مربوط به ضعف برنامه ها، امکانات و عدم تخصص لازم مربیان این مراکز باشد.

واژه های کلیدی: هوش، رشد حرکتی، سطح عملکرد مهارتی، تجربه مهد کودک

The Comparison of intelligence quotient (IQ), motor development and skill performance level in soccer player children with and without experience of kindergarten

Abstract

Purpose: The aim of the study is to compare intelligence quotient (IQ), motor development and skill performance level in soccer player children with and without experience of kindergarten. **Methods:** The statistical population of this research included seven to nine years old soccer player boys, who were members of Alashtair's Football clubs. 100 of them were selected using random-cluster method; 50 with kindergarten experience and 50 without kindergarten experience. Data collection instruments included Raven's IQ Test, Ulrich's gross motor development test II, Moor Christian's standard tests of football skills. The data analysis was done using t-test in significance level of p 0.05. **Results:** The results of the research showed no significant difference in the rate of IQ, motor development and skill performance level between the children with and without kindergarten experience. **Conclusion:** it seems having or not having kindergarten experience have no effects on IQ, motor development and skill performance level, this issue might be due to poor programs, facilities and lack of the required expertise of these centers trainers.

Key words: Intelligence, Motor Development, Skill Performance Level, Kindergarten Experience

✉ نویسنده مسئول: شهرام نظرپوری تلفن همراه: ۰۹۱۶۹۶۱۰۴۰۲

E.Mail: snazarpouri@yahoo.com

آدرس: تهران، میرداماد، میدان مادر، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

رشد جسمانی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی افراد در دوران کودکی از حساسیت مهمی برخوردار است. اگر به این دوره حساس توجه نشود، به اعتقاد گروهی از صاحب‌نظران چنان آسیبی به رشد همه‌جانبه افراد وارد می‌شود که، هیچ تلاش معجزه‌آسای پزشکی یا آموزشی دیگر نمی‌تواند آنرا جبران کند (۱). مراکز پیش‌دبستانی از جمله محیط‌هایی به شمار می‌روند که می‌تواند به عنوان مکمل خانواده، عامل مؤثری در رشد همه‌جانبه کودکان باشد. این گونه مراکز از روش‌ها و فنون طبیعی و فعالیت‌های که از مطالعه کودک و نیازهای او بهره می‌گیرند، الهام گرفته است. برنامه‌های مناسب تربیتی در این محیط‌ها فضایی برای ابتکار، خلاقیت و سازگاری بوجود می‌آورند (۲). در کشور ما هر سال تعداد قابل توجهی از کودکان در مراکز پیش‌دبستانی (مهد کودک و دوره‌های آمادگی)، ثبت نام می‌شوند که تحت مراقبت و آموزش و پرورش قرار می‌گیرند. این مراکز در قالب محیط‌های فراهم ساز، فعالیت‌هایی را در راستای رشد همه‌جانبه کودکان در زمینه‌های جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی افراد طراحی می‌کنند. کنترل قد و وزن کودکان و ترتیب دادن فعالیت‌هایی برای رشد و هماهنگی عضلات ظریف و درشت از جمله این فعالیت‌ها به شمار می‌رود. در این مراکز، تمرکز آموزش‌های جسمانی بر پیشرفت و توسعه مهارت‌های بالقوه، مفاهیم و موضوعات حرکتی می‌باشد. این مهارت‌ها شامل مهارت‌های جابجایی (مانند دویدن، سرخوردن و لی‌لی کردن)، و مهارت‌های غیر جابجایی (مانند خم شدن، کشیدن، تعادل و انتقال)، است. همچنین در این مراکز، فعالیت‌هایی جهت افزایش قوه تفکر، استدلال و افزایش بهره‌وری حافظه کودکان طراحی می‌شود (۱). مدارک و شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که، خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی، شناختی و حرکتی که کودک در تجربه پیش‌دبستانی به دست می‌آورد، با اهمیت‌ترین و موفقیت‌آمیزترین تجربه‌هاست (۳). تحقیقات نشان داده‌اند که، قابلیت‌های بالای شناختی، جسمانی و اجرای روان و زیبایی مهارت‌های پیچیده در نوجوانی و جوانی مستلزم رشد بهینه توانایی‌های سطح بالای جسمانی، شناختی و حرکتی در دوران کودکی است (۴). ابوبکر (۲۰۰۸) و ریدگوی (۲۰۰۹)، طی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که، ویژگی‌های جسمانی، حرکتی و آنتروپومتریکی کودکان پیشگوی معنی‌دار رشد بهینه توانایی‌های جسمانی، حرکتی و شناختی آنان

در آینده می‌باشند (۵، ۶). در این راستا، ویکارت (۱۹۶۹)، کریان (۱۹۹۲)، زیگلر و سانگ (۲۰۰۰) هاسودن و هام (۲۰۰۱)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که، کودکان دارای تجربه پیش‌دبستانی از برتری هوشی، حرکتی، سلامت جسمانی و روابط اجتماعی بهتری نسبت به دیگر کودکان برخوردارند (۷، ۸، ۹). همچنین زرین (۱۳۸۳)، در پژوهش خود نشان داد که، فعالیت‌های طرح‌ریزی شده در مراکز پیش‌دبستانی مثل مهد کودک‌ها در رشد تفکر خلاقانه، قدرت حل مسئله و نیز رشد توانایی‌های جسمانی، حرکتی و کلامی مؤثر است (۱). با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که، مراکز پیش‌دبستانی مثل مهدکودک‌ها می‌توانند بر رشد همه‌جانبه کودکان در زمینه‌های جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و حرکتی تأثیرات مثبتی داشته باشند.

در راستای رشد و کفایت همه‌جانبه کودکان، یکی از عوامل مهمی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، هوش است. امروزه این توافق عمومی میان روانشناسان حاصل شده است که، هوش انسان ناشی از تعامل وراثت و محیط است. بخشی از هوش به ژن‌هایی که فرد از والدین به ارث می‌برد و بخش دیگر به محیطی که در آن رشد و زندگی می‌کند، مربوط می‌شود. به عبارت دیگر اساس پدیدآیی هوش، توارث و از راه ژن‌هاست، ولی عوامل تربیتی در شکوفا شدن آن نقش مهمی دارند (۱۰). در این راستا، موضوع غالب در ایده‌های مربوط به بهره‌هوشی این است که، توانایی یا ظرفیت یادگیری حقایق و مفاهیم جدید را می‌سنجد. محققین بر این باورند، افرادی که از بهره‌هوشی بالاتری برخوردارند، به علت دقت و قدرت تمرکز بیشتر و نیز فعال بودن بیشتر حافظه کوتاه مدت آنها نسبت به افراد عادی، از لحاظ کمی و کیفی قدرت یادگیری بیشتری دارند (۱۱). گیچ و برلین (۱۹۹۲)، توانایی یادگیری را یکی از عناصر مهم هوش دانسته‌اند. این عنصر توسط بلوم (۱۹۶۸) و کارول (۱۹۳۶)، به عنوان اصطلاح استعداد مشخص گردید و آنرا به صورت مقدار زمانی که شخص یادگیرنده نیاز دارد تا مطلب یا مهارتی را کسب کند تعریف کرده‌اند (۱۲). در این زمینه، عزیزی (۱۳۸۵)، گزارش کرد که، بین بهره‌هوشی و رکورد شنای ۱۰۰ مترکرال سینه شناگران دختر ۱۴-۱۱ ساله، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۱۰). دورت (۲۰۰۹)، ارتباط مثبت و معناداری را بین آزمون‌های عقلانی - ذهنی و توانایی حرکتی کودکان گزارش نمود (۱۳). رستگار (۱۳۸۷)، طی پژوهش خود نتیجه گرفت که، بین

از نظر یادگیری و سطح اجرای مهارت‌های حرکتی نیز در سطح مطلوبی قرار دارند، چرا که این افراد نسبت به کودکان با رشد حرکتی ضعیف‌تر، حرکات یا مهارت‌های مورد نظر را با سهولت و راحتی بیشتری انجام داده و از اقتصاد انرژی بهینه‌تری برخوردار هستند (۱۷). شواهد گویای این مطلب است که، ظرفیت‌های شناختی و حرکتی کودکان به طور مثبت با میزان موفقیت در انواع ورزش‌ها و رسیدن به سطوح بالای عملکرد مهارتی، در دیگر دوران رشد مرتبط است (۴). شارلوت و ریدگویی (۲۰۰۹)، طی پژوهش‌هایی به این نتیجه رسیدند که، بین رشد حرکتی و شناختی کودکان و میزان موفقیت ورزشی آنان در آینده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۱۹،۶). گال و همکاران (۲۰۱۰)، در تحقیق طولی خود نتیجه گرفتند که، ویژگی‌های آمادگی جسمانی و حرکتی بازیکنان فوتبال، توان پیش‌بینی میزان یادگیری و سطح عملکرد مهارتی آنان در رسیدن به سطوح بالای ورزشی را دارند (۲۰).

از آنچه که در ارتباط با دو عامل مهم رشد همه جانبه کودکان در زمینه بهره‌ هوشی و رشد حرکتی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که، این دو عامل مهم از محیط، تجارب و آموزش‌های حاصل از آن متأثر می‌شوند. همچنین با توجه به مبانی نظری و نتایج تحقیقات ذکر شده می‌توان گفت که، بین میزان بهره‌ هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی افراد رابطه نزدیکی وجود دارد. از طرف دیگر همان‌طور که بیان شد، مراکز پیش‌دستانی مثل مهدکودک‌ها از جمله محیط‌های فراهم‌سازی هستند که، فعالیت‌های را در راستای رشد همه جانبه کودکان در زمینه‌های جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و حرکتی طراحی می‌کنند. بنابراین می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که، کودکان بهره‌مند از آموزش و تجارب مراکز مهدکودک، نسبت به کودکان دیگر از میزان بهره‌ هوشی، رشد حرکتی و متعاقباً از سطح عملکرد مهارتی بالاتری برخوردارند. از اینرو با توجه به اینکه تاکنون در این خصوص تحقیقات گسترده‌ای صورت نگرفته است، پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی میزان بهره‌ هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی در کودکان فوتبالیست دارا و بدون تجربه‌ مهدکودک انجام گرفته است. کاربرد این پژوهش، را می‌توان مرتبط با نیاز به شناسایی عواملی دانست که، به عنوان عوامل فراهم ساز یا محدود کننده در رشد همه جانبه کودکان نقش دارند. کسب چنین اطلاعاتی می‌تواند در فراهم کردن فرصت‌هایی برای تغییرات رشدی اولیه در زندگی،

متغیرهای شناختی مانند هوش و عملکرد ورزشی دانش-آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۱۴). با این وجود، کانتر (۲۰۱۰)، در پژوهش خود عنوان کرده که، هنوز ارتباط ظرفیت‌های ذهنی، شناختی و عاطفی با عملکرد حرکتی به طور کامل شناخته شده نیست (۱۵). آوردی و همکاران (۲۰۱۲)، یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش خود را به این صورت گزارش کردند که، ارتباط مثبت و معنی‌داری بین مهارت‌های حرکتی ظریف و توانایی شناختی کودکان وجود دارد (۱۶).

یکی دیگر از عوامل مهمی که با رشد و کفایت همه‌جانبه کودکان مرتبط می‌باشد، رشد حرکتی است. رشد حرکتی، تغییرات مداوم رفتار حرکتی در طول عمر است که از طریق تعامل مقتضیات فعالیت حرکتی، شرایط بیولوژیکی فرد و شرایط محیطی به وجود می‌آید. نظریه پردازان رشد به نقش بر هم کنش دو سیستم اولیه وراثت و محیط در فرآیندهای رشدی پی برده‌اند. آنها بر این باورند که نیازهای خاص یک تکلیف حرکتی با فرد (وراثت و عوامل زیست شناختی) و محیط (عوامل یادگیری و تجربی)، در تعامل است. چنین الگوی تعاملی نشان می‌دهد، در حالی که فرد تلاش می‌کند یک الگو و مهارت حرکتی را کسب کند، سیستم‌ها با تکلیف، فرد و محیط نه تنها بر هم کنشی دارند، بلکه این پتانسیل را دارند که یکدیگر را تعدیل کنند (۱۷). کاکلر، کلسو و تروی (۱۹۸۰، ۱۹۸۲)، در نظریه سیستم‌های پویا، حرکت و به طور دقیق‌تر رشد حرکتی را ناشی از خود سازمانی سیستم‌های بدن، ماهیت محیط اجرا کننده و تقاضاهای مربوط به آن می‌دانند. لذا این نظریه روابط نزدیکی را بین فرد، محیط و حرکت عنوان می‌کند. در همین راستا، دیدگاه طول عمر بیانگر این مطلب است که، فرآیند رشد حرکتی باید دائماً فردیت فراگیر را یادآوری کند. بر این اساس، هر فرد برنامه منحصر به فردی برای کسب مهارت‌های حرکتی (فعالیت‌های تجربی و حرکات دوران کودکی) دارد. به عبارت دیگر، گرچه ساعت بیولوژیکی یک فرد بسیار دقیق است، وقتی نوبت و ترتیب یادگیری مهارت‌های حرکتی می‌رسد سرعت و میزان رشد به طور فردی مشخص می‌شود و شدیداً تحت تأثیر تجربه، محیط و نیازهای اجرایی تکلیف قرار می‌گیرد (۱۸). کودکان به کمک رفتارهای حرکتی خود، به درک دنیای اطراف نائل می‌شوند و تجارب متنوعی کسب می‌کنند. کسب این تجارب، زیر بنای یادگیری و عملکرد حرکتی آنان را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، کودکانی که از رشد حرکتی مطلوب تری برخوردارند،

شوند (۱). (ب) آزمون هوش ریون^۱: این آزمون که جهت سنجش بهره هوشی آزمودنی‌ها به کار گرفته شد، شامل ۶۰ ماتریس یا طرح است که، در هر یک از آنها قسمتی حذف شده است و آزمودنی باید نقش حذف شده را از بین ۶ یا ۸ گزینه مختلف پیدا کند. ماده‌های آزمون به پنج سری ۱۲ تایی تقسیم شده است که، سطح دشواری آنها بتدریج افزایش می‌یابد، ولی اصول مورد نظر در همه آنها یکسان است. این آزمون، تقریباً برای تمام سنین مفید و مؤثر است. ستینین (۱۹۵۶) و سوینن (۱۹۵۸)، روایی ۰/۹۴ و ۰/۹۵ را برای این آزمون در کودکان مدرسه ایی بلژیکی گزارش نموده‌اند. همچنین فراهانی (۱۳۷۳)، هنجاریایی و نورم مربوط به دانش آموزان هر استان را در ایران مشخص کرده و ضریب پایایی این آزمون را مناسب گزارش نمودند (۲۱). (ج) آزمون رشد حرکتی درشت اولریخ ویرایش دوم: این آزمون، ۱۲ مهارت حرکتی درشت را می‌سنجد که در برگزیده دو خرده مقیاس جابجایی، شامل مهارتهای: دویدن، یورتمه رفتن، لی‌لی، گام کشیده (توانایی اجرای مهارتهای وابسته به پریدن از روی شیء)، پرش افقی و سرخوردن و همچنین خرده مقیاس کنترل شیء، شامل مهارتهای: ضربه زدن به توپ ثابت (با باتون)، دریبل درجا، گرفتن، ضربه زدن با پا، پرتاب از بالای شانه و غلتاندن از پائین (توانایی غلتاندن توپ بین دو مانع با دست برتر) است. در این آزمون هر مهارت حرکتی به بخش‌هایی تقسیم می‌شود، و نمرات بر اساس این که کودک آن معیارها را نشان می‌دهد یا نه، به صورت نمره‌های ۰ و ۱ داده می‌شود. نمره ۱ زمانی که کودک معیار مورد نظر را نشان می‌دهد و نمره ۰ برای زمانی است که، کودک مهارت مورد نظر را نشان نمی‌دهد، و یا آن را بی ثبات نشان می‌دهد (۱۷). زارع‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، طی پژوهش خود، ضریب پایایی و همسانی درونی برای نمره جابجایی و کنترل شیء را به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۴ گزارش نموده‌اند (۲۲). در همین راستا، در راهنمای آزمون رشد حرکتی درشت اولریخ ۲، ضریب همسانی درونی، ثبات و عینیت آزمون در کودکان آمریکایی بالا و نزدیک به ۱ گزارش شده است. همچنین اکل و همکاران (۲۰۰۴)، ضریب پایایی و همسانی درونی خرده آزمون‌های جابجایی و کنترل شیء را در کودکان یونانی به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۵ گزارش نمودند (۲۳).

بویژه در کودکانی که در خطر رشد تأخیری در زمینه‌های شناختی، حرکتی و عملکرد مهارتی هستند، مفید باشد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق، جامعه و نمونه آماری: پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی با طرح علی مقایسه‌ای است که به شکل میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه کودکان فوتبالیست پسر هفت الی نه ساله (میانگین سنی؛ ۸/۹ سال) عضو مدارس فوتبال شهرستان الشتر بود که حداقل هفته‌ای سه جلسه به طور مرتب در جلسات تمرین تیم خود شرکت و در طول سال اخیر در شرایط مسابقه قرار داشتند. در همین راستا، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، تعداد ۱۰۰ نفر، ۵۰ نفر دارای تجربه مهد کودک (حداقل یکسال تجربه مهد کودک)، و ۵۰ نفر بدون تجربه مهد کودک به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

روش اجرا: اجرا به این ترتیب بود که، محقق برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق، با مراجعه به معاونت پرورشی و تربیت بدنی آموزش و پرورش و همچنین اداره تربیت بدنی شهرستان الشتر، فهرست مدارس فوتبال فعال در مقطع سنی کودکان را اخذ و پس از کسب مجوز و با هماهنگی قبلی با مدیران و مربیان این مدارس، با حضور در جلسات تمرین آنها که یا در روزهای زوج و یا در روزهای فرد برگزار می‌شد، ضمن توضیح اهداف پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات فردی، فعالیت بدنی و ورزشی را بین آنان توزیع و پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نمودن اطلاعات این پرسشنامه، در نهایت از میان ۷ مدرسه فوتبال، تعداد ۱۰۰ نفر پس از کسب رضایت از والدین آنان، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. سپس در جلسات جداگانه‌ای آزمون‌های بهره هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی، مطابق با دستورالعمل‌های مربوطه از نمونه‌های انتخاب شده به عمل آمد (۱).

ابزار اندازه‌گیری: در این پژوهش ابزار مورد استفاده عبارت بودند از الف) پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات فردی، فعالیت بدنی و ورزشی: بعد از مشخص شدن مدارس فوتبال فعال، پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات فردی، فعالیت بدنی و ورزشی بین کودکان فوتبالیست توزیع شد. بعد از تکمیل و جمع‌آوری اطلاعات اولیه تلاش شد، آزمودنی‌ها با توجه به شرط داشتن حداقل یکسال سابقه حضور در مهد کودک، از نظر وضعیت اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی همگن

یافته‌ها

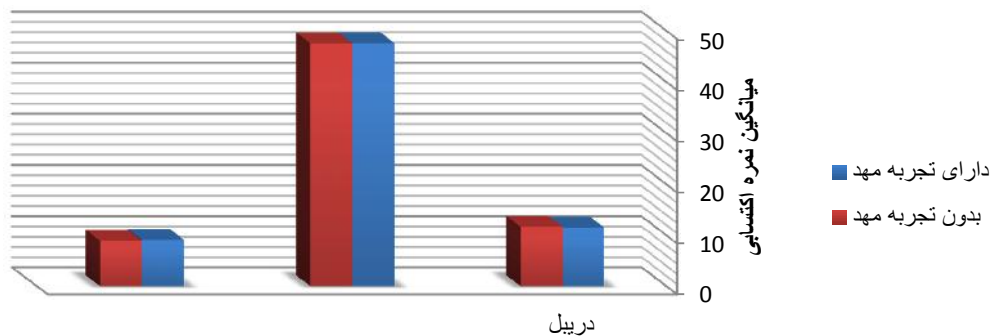
برای مقایسه‌ میانگین سطح عملکرد مهارتی کودکان فوتبالیست دارا و بدون تجربه‌ مهد کودک با استفاده از آزمون تی مستقل استفاده شد. همانطور که در جدول ۱ و شکل ۱، ملاحظه می‌شود، سطح عملکرد مهارتی در بیل شکل ۱، $t = -0.415$ ، $P = 0.679$ ، حفظ توپ در فضا $t = 2.21$ ، $P = 0.028$ ، در افراد دارای تجربه‌ مهد کودک با افراد بدون تجربه‌ مهد کودک، تفاوت معنی‌داری نداشتند.

د) آزمون‌های مهارتی فوتبال مورکریستین: جهت ارزیابی سطح عملکرد مهارتی آزمودنی‌های پژوهش، از مجموعه آزمون‌های استاندارد مهارتی فوتبال مورکریستین شامل: حفظ توپ در فضا، دریبل و پاس مطابق با دستورالعمل مربوطه استفاده گردید. خواجه‌ی و همکاران (۱۳۸۷)، طی پژوهشی که آزمودنی‌های آن کودکان بودند، با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی این آزمون را ۰/۷۶ گزارش نمودند (۲۴).

روش‌های آماری: در این پژوهش، به منظور خلاصه و دسته‌بندی کردن اطلاعات از آمار توصیفی، به شکل محاسبه‌ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف استاندارد)، استفاده شد. همچنین با استفاده از آمار استنباطی، برای مقایسه‌ میانگین‌ها آزمون تی مستقل به کار گرفته شد. در ادامه برای رسم نمودارها از نرم افزار Excel 2007 استفاده شد. کلیه عملیات آماری با استفاده از نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS و در سطح معناداری $P = 0.05$ ، انجام شد.

جدول ۱. مقایسه‌ سطح عملکرد مهارتی کودکان فوتبالیست با و بدون تجربه‌ مهد کودک، آزمون تی مستقل

Sig	df	T	اختلاف میانگین	انحراف معیار	میانگین	مهارت متغیرها	
						دارای تجربه	بدون تجربه
۰/۶۷۹	۹۸	-۰/۴۱۵	-۰/۱۹	۲/۳۱	۱۱/۵۰	دارای تجربه	دریبل
						بدون تجربه	۱۱/۶۹
۰/۰۶۸	۹۸	۲/۲۱	۰/۰۲	۵/۸۵	۴۷/۶	دارای تجربه	حفظ توپ در فضا
						بدون تجربه	۴۷/۵۸
۰/۰۸۴	۹۸	۲/۰۲	۰/۱۴	۳/۴۶	۹/۱۲	دارای تجربه	پاس



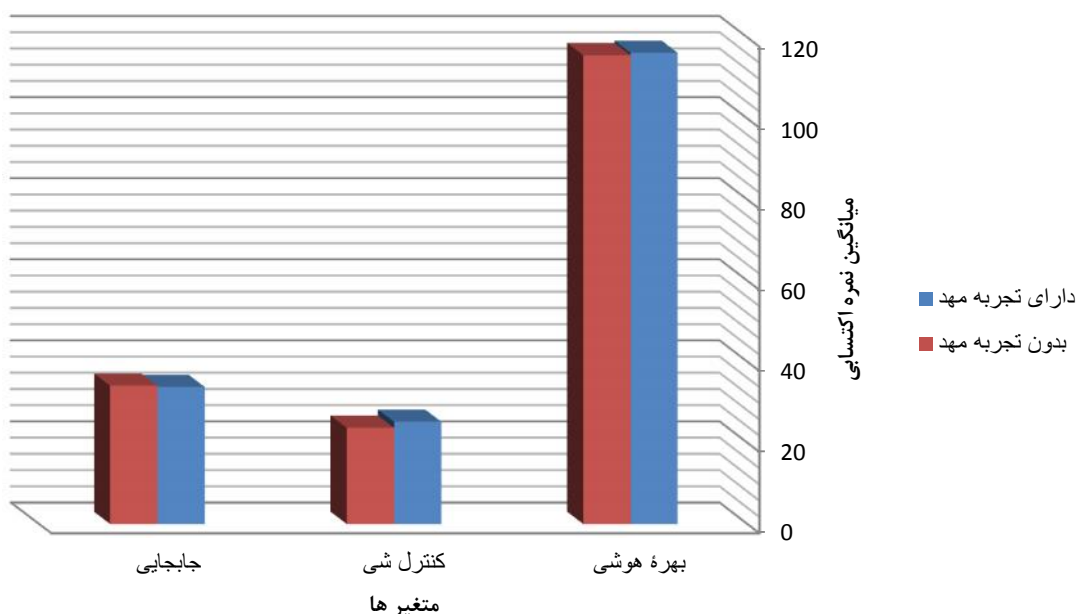
شکل ۱. مقایسه‌ سطح عملکرد مهارتی کودکان فوتبالیست با و بدون تجربه‌ مهد کودک

معنی‌داری ندارد. همچنین ملاحظه می‌شود، میزان رشد حرکتی در بخش کنترل شیء ($t = 1/35 : P = .1178$)، و جابجایی ($t = -.457 : P = .653$)، در افراد دارای تجربه مهدکودک با افراد بدون تجربه مهدکودک تفاوت معنی‌داری ندارند (جدول ۲ و شکل ۲).

نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین بهره هوشی و رشد حرکتی (کنترل شیء و جابجایی)، در کودکان فوتبالیست دارا و بدون تجربه مهدکودک نشان داد که میزان بهره هوشی ($t = .798 : p = .427$)، در افراد دارای تجربه مهدکودک با افراد بدون تجربه مهدکودک تفاوت

جدول ۲. آزمون تی مستقل، مقایسه میزان بهره هوشی و رشد حرکتی (کنترل شیء و جابجایی) در کودکان فوتبالیست با و بدون تجربه مهدکودک

Sig	df	T	اختلاف میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها	
						متغیرها	
.0427	98	.798	.078	5/71	116/42	دارای تجربه	بهره هوشی
						بدون تجربه	
.1178	98	1/35	1/5	5/57	28/18	دارای تجربه	کنترل شیء
						بدون تجربه	
.653	98	-.457	-.32	3/54	33/76	دارای تجربه	جابجایی
						بدون تجربه	



شکل ۲. مقایسه میزان بهره هوشی و رشد حرکتی (کنترل شیء و جابجایی)، در کودکان فوتبالیست با و بدون تجربه مهدکودک

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، کودکان فوتبالیست دارا و بدون تجربه‌ی مهدکودک از نظر میزان بهره‌ی هوشی، رشد حرکتی و سطح عملکرد مهارتی (دریبل، پاس و حفظ توپ در فضا) با هم مقایسه شدند. یافته اصلی این پژوهش نشان داد که، داشتن یا نداشتن تجربه مهدکودک تأثیری بر میزان بهره‌ی هوشی، رشد حرکتی (در دو بخش کنترل شیئی و جابجایی) و سطح عملکرد مهارتی (دریبل، پاس و حفظ توپ در فضا) کودکان فوتبالیست ندارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های خلجی در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ همخوانی دارد و با نتایج پژوهش‌های ویکارت (۱۹۶۹)، کریان (۱۹۹۲)، زرین (۱۳۸۳)، زیگلر (۲۰۰۰)، هاسودن و هام (۲۰۰۱) و سلمان (۱۳۷۲) همخوانی ندارد. البته، با توجه به مبانی نظری و نتایج تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، فرضیه پژوهش حاضر این بود که، داشتن تجربه مهدکودک، که خود یک عامل تحریک مناسب برای دوران رشد فراهم می‌کند، می‌تواند به عنوان یک عامل فراهم ساز رشدی، تغییرات آشکاری در میزان بهره‌ی هوشی، رشد حرکتی و متعاقباً سطح عملکرد مهارتی کودکان فوتبالیست ایجاد کند.

نظریه پردازان رشد با رواج دیدگاه سیستم‌های پویا، بر این باورند که تغییرات رشدی در یک روش کاملاً فردی تحت تأثیر عوامل حیاتی فراهم ساز و محدود کننده‌ها از درون سیستم قرار می‌گیرند. این قیود می‌توانند باعث ترغیب یا تأخیر رشد همه جانبه‌ی افراد در زمینه‌های شناختی، حرکتی، جسمانی و اجتماعی شوند. کارشناسان رشد کودک در مورد رشد طبیعی کودکان، بارها این مطلب را متذکر شده‌اند که، توانایی‌های کودکان در زمینه‌های مختلف رشدی صرفاً با افزایش سن و بالیدگی گسترش نمی‌یابد. گرچه بالیدگی نقش مهمی در رشد همه جانبه کودکان دارد، ولی نباید از تأثیر شرایط محیطی مانند فرصت‌های تمرینی، تشویق، آموزش و وضعیت بافت محیطی غافل شد (۱۸). در همین رابطه، نتایج تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهند که، مراکز مهد کودک می‌توانند با فعالیت‌های که در زمینه رشد همه جانبه کودکان صورت می‌دهند به عنوان محیطی فراهم‌ساز در نظر گرفته شوند. به طور مثال کریان (۱۹۹۲) در پژوهش خود نتیجه گرفت که اگر فعالیت‌ها، محتوا و شیوه‌های آموزشی مراکز مهد کودک مناسب باشد، تأثیر مطلوبی در رشد شناختی و حرکتی کودکان این مراکز دارد (۱). همچنین، نتایج تحقیق ویکارت (۱۹۶۹) حاکی از برتری

هوشی و رشد شناختی و حرکتی کودکانی بوده که در مراکز پیش‌دبستانی پرورش یافته‌اند (۷). با توجه به آنچه که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت، همان طور که کودکان دارای سابقه حضور در مراکز مهد کودک در زمینه‌های شناختی، حرکتی و اجتماعی نسبت به کودکان بدون تجربه مهدکودک برتری دارند، باید در جنبه‌های جسمانی و سطح عملکرد مهارتی هم برتری داشته باشند. از آنجا که در این تحقیق تفاوتی بین کودکان دارا و بدون تجربه مهد کودک در زمینه‌های شناختی (بهره‌ی هوشی) و حرکتی (در دو بخش کنترل شیئی و جابجایی) دیده نشد، می‌توان متعاقباً این انتظار را داشت که کودکان فوتبالیست دارا و بدون تجربه مهدکودک از لحاظ سطح عملکرد مهارتی هم با یکدیگر تفاوتی نداشته باشند، و این با نتایج تحقیقات فوق سازگاری ندارد. شاید این عدم تفاوت‌ها مربوط به ضعف برنامه‌های شناختی، حرکتی و بدنی مراکز مهد کودک باشد. خلجی (۱۳۸۰) و (۱۳۸۵)، طی پژوهش‌های خود گزارش نموده که، مراکز پیش‌دبستانی مثل مهدکودک‌ها از برنامه‌ها و فعالیت بدنی و نیز بازی‌های حرکتی خوبی برخوردار نیستند. همچنین وی بیان نموده که مربیان این مراکز فاقد تخصص‌های لازم جهت تأمین نیازهای جسمانی، شناختی و حرکتی کودکان پیش‌دبستانی هستند. در این زمینه، با بررسی‌های به عمل آمده، مشخص شده که بیشتر مراکز مهدکودک از فضای مناسب جهت انجام فعالیت‌های حرکتی و نشاط‌آور برخوردار نیستند. همچنین امکانات این مراکز جواب‌گوی نیازهای شناختی، حرکتی و جسمانی کودکان نیست (۲۶،۲۰،۱). بنابراین، اگر این مراکز دارای برنامه‌های متناسب با اهداف رشد شناختی و حرکتی کودکان باشند، قطعاً باعث برتری آنها در زمینه‌های شناختی (میزان بهره‌ی هوشی)، حرکتی (رشد مهارت‌های حرکتی درشت) و متعاقباً سطح عملکرد مهارتی (دریبل، پاس و حفظ توپ در فضا)، خواهند شد.

در پایان با توجه به اینکه طی سال‌های اخیر مقرر گردیده، مهدکودک‌هایی که مسئول نگهداری کودکان ۴ تا ۶ ساله‌اند، تحت نظارت و کنترل آموزش و پرورش باشند، لازم است که برنامه‌ریزی‌های دقیق، اصولی و همه جانبه (شناختی، حرکتی، اجتماعی، عاطفی و غیره)، صورت گیرد تا در آینده دانش‌آموزان و در نهایت آینده‌سازانی آماده و مستعد در تمام عرصه‌ها و زمینه‌ها داشته باشیم (۱). در همین راستا، پیشنهاد می‌شود که: ۱- بررسی‌های عمیق‌تری در خصوص میزان کارآیی برنامه‌ها، امکانات و سطح دانش مربیان مراکز

- سالة برتر کشور با رکورد ۱۰۰ متر کمال سینه. حرکت، شماره ۲۸ (۲ پیاپی): ۱۵۹-۱۵۱.
۱۱. میلانی فر بهروز، (۱۳۸۶). روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنائی. چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات نشر قومس، ۱۲۸.
۱۲. سیف علی اکبر، (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی نوین. چاپ ششم، تهران: انتشارات نشر دوران، ۱۸۰.
13. Dourt L, (2010). Relationships between growth status at birth and motor and cognitive development in a French sample of gifted children. *revue europeenne de pshchologie* 601-609.
۱۴. رستگار احمد، (۱۳۸۷). ارتباط متغیرهای شناختی-انگیزشی با عملکرد ورزشی دانش آموزان. المپیک: شماره ۴۲ (پیاپی ۲۰)، ۶۴-۷۴.
15. Konter E, (2010). Nonverbal intelligence of soccer players according to their level of play. *Procedia social and behavioral science*: 1114-1120.
16. Audrei F, Denise C.C, Priscila M, Maria L, (2012). Effect of the home environment on motor and cognitive behavior of infants. *Infant Behavior & Development* 35, 329-334.
17. V. Gregory Payne, Larry D. Isaacs (2012). *Human Motor Development A Lifespan Approach*. Eight Edition, McGraw-Hill Higher Education: 112-124.
۱۸. دیوید ال گالاهو، جانسی ارسون، (۲۰۰۹). درک رشد حرکتی در دوران مختلف زندگی. مترجمان: حمایت طلب، رسول. موحدی، احمد رضا. علیرضا. فولادیان، جواد (۱۳۹۰). چاپ اول. تهران: انتشارات علم و حرکت، ۳۵-۵۰.
19. Charlotte I, Ridgway cal, (2009). infant motor development predicts sports participation at age 14 years. *4institute of Health sciences. University ofoulu, Finland*, 36-45.
20. Gall f, (2010). Antropometric and fitness characteristics of international, professional and amateur mal graduate soccer players from an elite yoath academy. *Journal of science and medicine sport* 13, 90-95.
- مهد کودک انجام گیرد. ۲- با عنایت به تأثیرات مثبتی که، مراکز مهدکودک می‌توانند بر رشد همه جانبه کودکان (مخصوصاً در زمینه رشد مهارت‌های حرکتی و بنیادین) داشته باشند، پیشنهاد می‌شود در این مراکز، از دانش مربیان و متخصصان حوزه تربیت بدنی استفاده گردد.
- ### منابع
۱. خلجی حسن، (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین ویژگی‌های آنترپومتریکی و عملکرد حرکتی دانش آموزان ۶ تا ۸ ساله دارای تجربه و بدون تجربه مهد کودک شهر اراک (سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳)، پیک نور: شماره ۴ (پیاپی ۳): ۳۰ - ۱۸.
۲. خلجی حسن، (۱۳۸۴). بررسی کمی و کیفی تربیت بدنی مراکز پیش دبستانی شهر تهران. پژوهشکده تربیت بدنی، ۴۵-۵۵.
3. Loovis E M, (2003). Relationship of hand length to catching performance by children in kindergarten to grad. *Cleveland state university*, 112-125.
۴. آنتیاج هارو، (۲۰۰۳). طبقه بندی هدف‌های روانی - حرکتی. مترجم: کیامنش، علیرضا (۱۳۶۸). چاپ دوم. تهران: انتشارات آموزش و پرورش، ۱۲۵.
5. Abubakar A, Vijver F, Van Bar, an Mbonani, L & Kalu R (2008). Socioeconomic status, anthropometric status and psychomotor development of Kenya children from resource-limited setting: Apath-analytic study, *Early Human development*, 613-621.
6. Ridgway CL, (2009). Birth size, infant weight gain, and motor development influence adult physical performance, 25-37.
7. Weikatr D, (1969). Acooperative study of the preschool: curriculum, in C.seefeld(Ed). *The Early childhood*. 29(3): 20-29.
8. Zigler Z, & Valenting J, (1979). Project head start the warn poverty. *New arm: free press*, 115-121.
9. Housden T & ham R, (2001). Full-day kindergarten: A summary of the research *armichael.sarjuan anifiled school district*, 125-138.
۱۰. عزیزی میترا، تندنویس فریدون، هادوی فریده، (۱۳۸۳). ارتباط بین بهره هوشی و سن تقویمی دختران ۱۴-۱۱

۲۱. فراهانی محمد نقی، (۱۳۷۳). هنجاریابی آزمون هوش مدرج ریون (فرم ۲)، دفتر مشاوره و تحقیق، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی.
۲۲. زارع زاده مهشید، فرخی احمد، کاظم نژاد انوشیروان، (۱۳۸۹). تعیین پایایی و روایی آزمون رشد حرکتی در کودکان ۳ تا ۱۱ ساله شهر تهران. المپیک: شماره ۴۲ (پیاپی ۵۲): ۸۶-۹۸.
23. Okely, A. D., & Booth, M. L. (2004). Mastery of fundamental movement skills among children in New South Wales: prevalence and sociodemographic distribution. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 7(3), 358-372.
۲۴. خواجهوی داریوش، خلجی حسن، میناسیان وازگن، (۱۳۸۷). تأثیر تمرین متغیر بر عملکرد یادداری و انتقال پاس بغل پای فوتبال. حرکت: شماره ۳۶ (پیاپی ۳): ۱۸۰-۱۳۵.
۲۵. ریچاردای اشمیت، تیموتی لی، (۲۰۰۲). یادگیری و کنترل حرکتی (جلد ۲). مترجمان: حمایت طلب، رسول. قاسمی، عبدالله (۱۳۸۸). چاپ اول: تهران. انتشارات علم و حرکت، ۳۲۳-۱۰۳.
۲۶. خلجی، حسن (۱۳۸۰). تهیه ابزار و تعیین پایایی و روایی عملکرد حرکتی کودکان ۳ تا ۷ ساله شهر تهران. پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۳۳-۳۱.

